

جایگاه تاریخ در دانش فقه

در حوزه‌های علمیه و تمدن مسلمانان، به دانش تاریخ و تاریخ‌نگاری توجه کافی نشده است. در طبقه بندی علوم، هیچ گاه تاریخ به دانشی مستقل در نزد اندیشمندان بزرگ - همچون فارابی و ابن سینا - نرسید. هرچند ابن خلدون در اثر ارزشمند خود (مقدمه العبر) تاریخ را نوعی حکمت می‌داند، اما در طبقه‌بندی علوم، حتی آن را در میان علوم نقلی هم قرار نداده است، با این وجود می‌توان در فایده مندی و سودمندی تاریخ و به خصوص تاریخ اسلام به عنوان یک دانش مستقل و لزوم آموزش هدفمند آن استدلال کرد و دلایل کافی و وافی عرضه نمود اما نقش واسطه‌ای و میان رشته‌ای تاریخ نیز بسی مهم و قابل توجه است. در این نوشتار، هدف ما، اشاره به یکی از فواید تاریخ اسلام در اجتهاد و فهم صحیح فقه است. دانش فقه و اصول، نقطه کانونی تحصیل در حوزه‌های علمیه هستند. فقه؛ علم جامعی است که به رابطه انسان با خالق یکتا، با خود، هم نوعان، محیط زیست و... می‌پردازد و به طور کلی تنظیم کننده رفتار انسان و تعامل سه گانه‌ی او با خداوند، خود و محیط پیرامونی می‌باشد، علاوه بر آن دارای شرافت غایی و رهنمون ساز انسان به سعادت و آرامش اخروی و ابدی است. فقه کانونی است که رسیدن صحیح به آن، مستلزم تسلط به مقدمات و حاشیه گسترده آن می‌باشد. در فهم و تدریس فقه، استادانی موفقتر بودند که علاوه بر فهم اصول و قواعد فقهی، به علوم جانبی آن نیز اشراف داشتند. در خزینه پر دُرّ حوزه‌های علمیه؛ روش استادانی به یادگار

مانده است و «جواهرهای» چشم نوازی را عرضه داشتند که فقط به فقه (با فهم حداقلی) بسنده نکرده و جامع علوم اسلامی بوده اند. فقهی موفق است که به حدیث، رجال و سایر دانش‌های با مشرب اسلامی مسلط باشد. تاریخ اسلام و جریان‌های سیاسی، فکری، اجتماعی و... قرون اولیه اسلام، بستر فهم دانش‌های اسلامی است. جریان غالب سیاسی، فکری، اجتماعی و... صدر اسلام در قبضه ی اهل سنت بوده است و علوم اهل بیت علیهم‌السلام و تشیع در حاشیه آن شکل گرفته است و به ناچار برای فهم سنت اسلامی با مشرب اهل بیت علیهم‌السلام باید تاریخ اسلام به نحو کامل بررسی شود تا علت صدور بسیاری از روایت‌های شیعه بدست آید. روش تدریس آیت الله بروجردی، منحصر به فرد و بسیار عالم پرور و مجتهد ساز بوده است. یکی از دلایل استقبال وسیع و اشتیاق وافر عالمان دینی به مباحث آیت الله، تسلط وی به تاریخ اسلام و توجه به جریان‌ات سیاسی، اجتماعی، فقهی و... صدر اسلام بود. استاد معظم؛ ابتدا مسأله مورد بحث را طرح می‌نمود، سپس اقوال علمای شیعه را، نقل می‌کرد؛ و در ادامه؛ ادله (روایی) را طرح و دسته بندی می‌نمود که گاه از نتیجه سازماندهی و دسته بندی بیست روایت ذکر شده، معلوم می‌شد که در واقع همه آنها؛ پنج روایت بیشتر نیست (که چنین دقتی منجر به تألیف «جامع الاحادیث شیعه» گردید) و در نهایت به بررسی محیطی که روایت در آن صادر شده بود، می‌پرداخت. در محیط روایت چه نوع جریان فکری، سیاسی، فقهی و... رایج بوده است. آیا روایت ناظر به فقه خاصی است (مثلا در محیطی بوده که فقه ابوحنیفه رایج بوده است و این روایت در صدد طرد مسأله‌ای در آن محیط می‌باشد) و یا یک مطلب مستقل است. توجه آیت الله بروجردی به تاریخ اسلام و بررسی محیطی که روایت در آن صادر شده بود و تأکید بر آن که فقه شیعه؛ حاشیه‌ای بر فقه عامه است و رجوع به فقه عامه در هر مسأله‌ای، نشانگر «تبع بی نظیر» آیت الله در فقه و تسلط بی نظیر وی در تاریخ اسلام و شناخت جریان‌ات موجود در تاریخ سه قرن اول اسلام بود. زمانی آیت الله سید محمود شاهرودی از مراجع تقلید شیعه و معاصر آیت الله بروجردی از یکی از عالمان شیعه پرسیده بود که: شما آقای بروجردی را اعلم از من می‌دانی؟، آن بزرگوار هم جواب داده بود که بله، شما یک فقه دارید ولی آیت الله



جایگاه تاریخ در دانش فقه

بروجردی پنج نوع فقه دارد؛ فقه الحدیث، فقه الدراییه و..... که اشاره به جامعیت علمی آیت الله بروجردی و تسلط ایشان به شعبه‌های مختلف علوم و از جمله تاریخ اسلام بود.^۱

ادعای این که «تاریخ مادر علوم است» است، ادعای گزافی نیست. تاریخ پاره تن همه علوم است. تاریخ اقتصاد، تاریخ عقاید اقتصادی، تاریخ فلسفه، تاریخ اندیشه‌های سیاسی، تاریخ فقه و ادوار آن، تاریخ... بخش مهم و قابل توجه در همه رشته هاست. تاریخ اسلام، اهمیتی افزونتر دارد، تاریخ اهل بیت (ع) و تاریخ تشیع راهنما و مشعل فراروی ما خواهد بود.

۹

سردبیر



۱. محمدرضا احمدی (گردآورنده)، خاطرات آیت الله محمدعلی گرامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۱۱۴.